



■ **خیلی بجا، بلکه ضروری است که مجموعه آثار استاد بازبینی و ویرایش شود و از سوی نهاد یا مرکزی تجدید چاپ شود تا هم برای نسل جوان کنونی قابل استفاده باشد و هم برای آیندگان بماند**

■ **ایشان با تسلی که بر ادبیات عرب داشتند و تربیت قرآنی که داشتند، گروه بسیاری از نوجوانان مدارس و دانشجویان را با معارف اسلامی آشنا کردند که نتیجه آن بعداً در انقلاب اسلامی به ظهور رسید**

نباشد اما اجمالاً، هم دوره جنگ بود، هم دوره تسلط گروه‌های الحادی و منافقین بر مدارس و دانشگاه‌ها بود و هم مشکل اداره خود این دستگاه عظیم بود و لذا تنها اشخاصی مثل ایشان می‌توانستند این مسئولیت را بپذیرند که واقعاً این «وزر» یا وزرات، یعنی بار سنگین را تحمل کنند. شنیده‌ام که در آن زمان مقام معظم رهبری در نکته‌ای لطیف در اشاره به وزارت ایشان گفته بودند که «آموزش بدون پرورش نمی‌شود و آموزش و پرورش هم بدون پرورش نمی‌شود!» در آن زمان هر استانی، برای خود مسئله‌ای داشت که عمدتاً ناشی از حضور گروه‌های مخالف و بعضاً هم اختلافات بین نیروی انقلابی بود. اما بعضی از استان‌ها مثل کردستان و آذربایجان غربی و... خودشان به طور کلی «مسئله» بودند و آقای پرورش خوش‌بختانه توانست با همکاری نیروهای قوی و بالمانی که خوش‌بختانه زیاد در اطراف خود داشت، و با اعتقاد قلبی و عمیقی که خود ایشان به اسلام و انقلاب داشت، به تدریج بر این مشکلات فایق آید تا اندک اندک آموزش و پرورش در طی چند سال سامان گرفت.

سخن را کوتاه کنم

باید بین بزرگداشت‌هایی از این قبیل، که برای افرادی عالم، معلم و مبارز که حقیقتاً این‌ها مصداق «شمع» هستند که می‌سوزند و به محیط نور می‌بخشند، با بزرگداشت‌هایی که به مناسبت‌های صرفاً دنیوی و تشریفاتی گرفته می‌شود، فرق گذاشت. این‌گونه مجالس معمولاً ادامه همان مجالس و محافل است که این‌گونه اشخاص - روزی پایه‌اش را گذاشته و در غربت و تنهایی به پای آن سوخته‌اند تا امروز به جامعه بزرگ مثل همین تبدیل شده است. در این جا من به دوستان عزیز می‌گویم که بانی این بزرگداشت شده‌اند، دو پیشنهاد می‌کنم:

یکی این که استاد پرورش اهل قلم هم بوده و آثار و تألیفاتی دارند که گمان نکنم امروز در دسترس باشد؛ به خصوص آثار قرآنی و نهج‌البلاغه ایشان. خیلی بجاست بلکه ضروری است که مجموعه آثار استاد بازبینی و ویرایش شود و از سوی نهاد یا مرکزی تجدید چاپ شود تا هم برای نسل جوان کنونی قابل استفاده باشد و هم برای آیندگان بماند.

پیشنهاد دوم، تکرار این‌گونه بزرگداشت‌ها برای دیگر معلمان برجسته این شهر و همه شهرهای دیگر است. اگر بتوان در شهر بزرگی مثل اصفهان، هر سال برای پنج معلم طراز اول مراسم بزرگداشت برگزار کرد، در طی چند سال، خود به خود بخشی از تاریخ تعلیم و تربیت این استان خودش را آشکار می‌کند و چه برکاتی از آن حاصل می‌شود.

در پایان، باز هم برای استاد آرزوی بهبود و بازگشت سلامتی دارم.
وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ.

گشتن خلاقیت در مدرسه؟!!

حسین باقری
کارشناس آموزش ابتدایی و آموزگار
دبستان امام خمینی شهرستان دیر

خلاقیت، یکی از موضوعات پر بسامد در مقاله‌نویسی معلمان در سال‌های اخیر است. خوش‌بختانه یا متأسفانه در این زمینه مقالات زیادی به مجله رسیده‌است که غالباً حرف تازه‌ای در بر ندارد و نمی‌تواند راهکاری برای شما معلمان عزیز در مدارس باشد. حرف‌ها عموماً تکرار یا نقل مطالبی است که در کتاب‌ها و سخن‌رانی‌ها و همایش‌ها گفته شده و برای همه کمابیش آشناست. از این روست که این‌گونه مقالات به مجله نیز راه نمی‌یابد. اما مقاله حاضر، از این جهت که به پاره‌ای از موانع خلاقیت پرداخته و کوشیده است مصداق‌های عینی موجود در مدارس را که خود سد راه شکوفایی و رشد و خلاقیت مورد اشاره قرار دهد، برای چاپ انتخاب شد. عنوان این نوشته در دفتر مجله انتخاب شده است. برای نویسنده آرزوی موفقیت داریم. رشد

• تأکید زیاد بر نمره دانش آموز به عنوان ملاک خوب بودن

این موضوع یکی از شایع‌ترین موانع رشد خلاقیت در دانش‌آموزان به‌شمار می‌رود. هنگامی که دانش‌آموز احساس کند تنها چیزی که اهمیت بیشتری دارد و در ارزیابی‌ها ملاک خوب بودن شمرده می‌شود، نمره بالاست و نه چیز دیگر، در نتیجه، کسب نمره بیشتر، به خودی خود برای وی حکم مهم‌ترین هدف را پیدا می‌کند و بنابراین، او تنها برای به دست آوردن آن می‌کوشد. در چنین جوی، تلاش برای خلاقیت و نوآوری دانش‌آموز، معنایی نخواهد داشت.

• روش‌های تدریس کهنه و مبتنی بر معلم محوری

به کارگیری افراطی روش‌های کهنه که در آن‌ها معلم بیشتر نقش محوری را در کلاس ایفا می‌کند و تدریس بر سخن‌رانی و استفاده از مهارت‌های کلامی مبتنی است، سبب می‌شود دانش‌آموز در فرایند تدریس و یادگیری و ایفای نقش فعال، فرصت مشارکت کمتری پیدا کند. دانش‌آموزی که در چنین سیستمی تحصیل می‌کند، مجال برای بروز استعدادهای خلاق نمی‌یابد و به تدریج تحریک و پویایی خود را از دست می‌دهد.

• عدم شناخت معلم نسبت به خلاقیت

در بسیاری از موارد، آشنا نبودن معلم با مبرمی باشیوه‌های پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، به تنهایی مانعی بزرگ در این زمینه محسوب می‌شود.

معلمی که از ماهیت خلاقیت، موانع و روش‌های پرورش شناخت صحیحی نداشته باشد، بدیهی است نه تنها نمی‌تواند اقدامی برای بروز استعدادهای خلاق دانش‌آموزان خود در کلاس انجام دهد، بلکه ممکن است ناآگاهانه و به مرور زمان کلاس درس خود را

به محیطی تبدیل کند که در آن خلاقیت دانش آموز سرکوب می شود.

نبود حداقل امکانات لازم برای انجام فعالیت های خلاق دانش آموزان

هر چند بسیاری از فعالیت های خلاق نیازمند هزینه ها و امکانات خاصی نیست و بیشتر آن ها با اندکی تغییر در روش های تدریس و استفاده بهینه امکانات و فضای آموزشی موجود در مدارس قابل اجراء است، اما گاهی فقدان این حداقل امکانات لازم سبب می شود که انجام برنامه های پرورش خلاقیت در کلاس و مدرسه با مانع یا شکست روبه رو شود. این کمبودها در بسیاری از موارد تأثیری مخرب بر علاقه و انگیزه دانش آموزان برای شرکت در این برنامه ها می گذارد.

اهداف و محتوای کتاب های درسی

موضوع اهداف و محتوای درسی مبحثی بسیار گسترده و از جوانب گوناگون قابل بررسی است. اما در این جا تا این حد بدان اشاره می شود که چنانچه در یک نظام آموزشی، کتاب درسی به عنوان مهم ترین و تنها منبع تدریس و آموزش مورد استفاده قرار گیرد و در عین حال در میان اهداف و محتوای آن چیزی به عنوان پرورش خلاقیت منظور نشده باشد، مسلماً دانش آموز آزادی عمل و توانایی لازم را نخواهد داشت که با از چارچوب کتاب درسی خود فراتر بگذارد. در نتیجه او می آموزد فقط در محدوده کتاب درسی بیندیشد و نه بیشتر.

توجه نکردن به تفاوت های فردی دانش آموزان

در نظر نگرفتن این واقعیت که هر دانش آموز در عین اشتراکاتی که با دیگر دانش آموزان دارد، انسانی منحصر به فرد است و استعدادها، علاقه ها و کشش های ویژه خود را دارد، سبب می شود معلم دید و نگرشی یکسان نسبت به همه دانش آموزان داشته باشد. این نوع نگرش، در حوزه پرورش خلاقیت مانعی اساسی محسوب می شود و بویژه سرخوردگی دانش آموزان خلاق را به دنبال خواهد داشت.

نپذیرفتن ایده های جدید

عادت به تفکرات کلیشه ای، راه حل های معمولی و تجربیات تکراری، سبب پدید آمدن نوعی دید انتقادی در معلم و دانش آموزان در کلاس های درس می شود که می توان آن را روحیه نپذیرفتن ایده های جدید نامید. برای دانش آموزی که از تفکری خلاق برخوردار است و میل به خلق ایده های نو و غیر معمول دارد، بسیار مایوس کننده خواهد بود که ایده ها و افکارش به خاطر غیر معمولی بودن مورد بی توجهی معلم یا دانش آموزان قرار گیرد. این دانش آموز به تدریج تحت تأثیر نظر جمع، ممکن است نوگرایی و این نوع فکر خود را دال بر وجود ضعف یا مشکلی در خود تلقی کند.

احساس غیر عادی بودن در بسیاری از دانش آموزان خلاق، از وجود چنین جوی در کلاس ناشی می شود که در نهایت به خودسانسوری می انجامد.

دادن تکالیف درسی زیاد به دانش آموزان

معمولاً انجام تکالیف درسی بخش عمده ای از وقت دانش آموزان را به خود اختصاص می دهد. در مواردی که به دانش آموز تکالیف

زیادی داده می شود و او به ناچار همه توان و انرژی فکری خود را برای انجام آن ها صرف می کند، در نتیجه دیگر فرصت و هم چنین توانایی چندانی برای پرداختن به فعالیت های دیگر نخواهد داشت. به علاوه، از آن جا که غالباً انجام زیاد از حد تکالیف درسی برای دانش آموزان چندان خوشایند نیست، این موضوع می تواند سبب بی توجهی و بی میلی آن ها نسبت به فعالیت های دیگر شود؛ از جمله فعالیت های خلاقانه که بیشتر نیازمند آراش فکری و روانی اند.

استهزا و تمسخر ایده یا نظر اشتباه

در کلاس های درس زیاد اتفاق می افتد که دانش آموزی به دلیل مطرح کردن نظری اشتباه، ایده ای نادرست یا عجیب و غریب، از طرف معلم یا دانش آموزان هم کلاسی خود تمسخر و استهزا می شود. برای دانش آموزی که گرایش های خلاقانه دارد، این نوع برخورد دیگران حکم توبیخ و تنبیه را دارد. در نتیجه، احتمال دارد این دانش آموز به تدریج بیاموزد که ایده های خود را از ترس این که ممکن است اشتباه باشد و مورد استهزای دیگران قرار گیرد، به زبان نیاورد و آن ها را درون خود سرکوب کند.

